

# بررسی اقتصاد زیرزمینی از دو روش «شکاف درآمد هزینه خانوار» و «نسبت نقد»

علی اصغر اسفندیاری\*

فاطمه مهربانی\*\*

اقتصاد زیرزمینی مجموعه ای از فعالیتهای مولد ارزش افزوده است که در قالب اقتصاد رسمی تعریف و گنجانده نمی شود. فعالیتهای خارج از بازار خانوار و سازمانهای غیر انتفاعی و نیز آن گونه فعالیتهای بازار که به دلایل گوناگون دور از چشم مقامات می ماند مجموعه فعالیتهای سازنده اقتصاد زیرزمینی را بوجود می آورد. اقتصاد زیرزمینی شامل چهار بخش خانوار، غیر رسمی، نامنظم و غیرقانونی است.

\*. دکتر علی اصغر اسفندیاری؛ عضو هیأت علمی دانشگاه چمران اهواز.

E. mail: a\_esfandyari@yahoo.com

\*\* فاطمه مهربانی؛ کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اهواز.

E. mail: f\_mehrabani@yahoo.com

طبیعت پنهان اقتصاد زیرزمینی، اندازه گیری و مطالعه مستقیم آن را با مشکل مواجه می‌سازد، به همین دلیل بیشتر روشهای اندازه گیری رایج، روشهای تخمین غیر مستقیم این فعالیتها است. که با فرضیه های محدود کننده بسیاری همراه می‌باشد

در این پژوهش، ضمن بر شمردن روشهای مختلف سنجش حجم اقتصاد زیرزمینی، به برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی با استفاده از دو روش «شکاف درآمد - هزینه خانوار» و روش «نسبت نقد» می‌پردازیم.

در روش «شکاف درآمد - هزینه خانوار» اختلاف بین درآمد و هزینه خانوار، نشان‌دهنده ارقام گزارش نشده درآمد خانوار و خالص خلاف گویی خانوار در دو طرف درآمد و هزینه است. در این روش سعی می‌شود که از طریق تعیین خالص نسبی در زمینه خلاف گویی خانوار در مورد هزینه‌ها و درآمدها به حجم اقتصاد زیرزمینی پی برده شود.

در «روش نسبت نقد»، از طریق حجم نقل و انتقالات صورت گرفته با وجه نقد و تغییرات حجم اسکناس و مسکوک، به بررسی و برآورد اقتصاد زیرزمینی می‌پردازیم.

#### کلید واژه‌ها:

ایران، اقتصاد زیرزمینی، هزینه خانوار، اقتصاد غیررسمی، نسبت نقد - درآمد

## مقدمه

شاخه‌های متعددی از علم اقتصاد وجود دارد که هر یک از آنها به زمینه‌ای خاص توجه می‌کند؛ شاخه‌هایی مانند اقتصاد رفاه؛ اقتصاد پولی؛ اقتصاد خرد و غیره؛ ولی تا کنون فعالیتهای اقتصادی غیررسمی کمتر مورد توجه و بررسی اقتصاددانان قرار گرفته است. منظور از «فعالیت اقتصاد غیر رسمی» چیست؟

در مفهوم وسیع، منظور، تمامی فعالیتهایی است که به عللی، در حسابهای ملی نمی‌آید بنابراین ارائه تعریفی جامع و مانع برای اقتصاد زیرزمینی دشوار است. حذف برخی از فعالیتهای اقتصادی از حسابهای ملی که به‌عنوان معیار اندازه‌گیری تولید کالا و خدمات در یک کشور طی یک دوره حسابداری بکار می‌رود، مسائل متعددی را بوجود می‌آورد؛ نخست آنکه گرچه دست اندرکاران تهیه حسابهای ملی در کشورهای مختلف از روشهای مشابهی استفاده می‌کنند، ولی تفاوت حجم اقتصاد زیرزمینی در کشورهای مختلف باعث می‌شود که مقایسه ارقام رسمی حسابهای ملی مفهومی نداشته باشد. دیگر اینکه اگر در کشوری با گذشت زمان، بر حجم و اهمیت فعالیت اقتصاد زیرزمینی افزوده گردد، سیمای اقتصادی کشور که توسط درآمد ملی تصویر می‌شود، گمراه کننده خواهد بود.<sup>۱</sup>

امروزه حجم عظیمی از اشتغال جدید، بویژه در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار، مربوط به اقتصاد زیرزمینی بوده است. بیشتر مردم، به این دلیل وارد اقتصاد زیرزمینی می‌شوند که نمی‌توانند در اقتصاد رسمی شغلی بیابند و یا قادر به شروع کسب و کار جدیدی در اقتصاد رسمی نیستند؛ برای مثال در آفریقا، کار غیررسمی تقریباً هشتاد درصد مشاغل بخش غیرکشاورزی، بیش از شصت درصد اشتغال در مناطق شهری و بیش از نود درصد مشاغل جدید ظرف یک دهه اخیر را به خود اختصاص می‌دهد. اما کار کردن در اقتصاد زیرزمینی را نمی‌توان در مقایسه با اشتغال شناخته و حمایت شده، ایمن و رسمی و «شایسته» نام نهاد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>. Bruno s. Frey & Friedrich Schneider, "Informal and Underground Economy", (2002), p. 1.

<sup>۲</sup>. سازمان بین‌المللی کار، کار شایسته و اقتصاد غیررسمی، ترجمه محمد ضیایی بیگدلی، (تهران، پژوهشکده اقتصاد و دارایی، ۱۳۸۳)، ص ۱۲.

در تقسیم بندیها، اقتصاد زیرزمینی به چهار بخش؛ خانوار، غیررسمی، نامنظم و سرانجام بخش غیرقانونی تقسیم می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۱. بخش خانوار

این بخش، کالاها و خدماتی را تولید می‌کند که در همین بخش مصرف می‌شود. ویژگی بخش خانوار این است که محصولات آن کمتر به بازار عرضه می‌گردد و فقدان قیمت برای کالاهای تولیدی در آن، سبب می‌گردد که ارزیابی ارزش کالاها دشوار باشد در نتیجه در حسابهای ملی نادیده گرفته شود. این مسائل نمایندگی حسابهای ملی را به‌عنوان شاخصی از رفاه تحت تأثیر قرار می‌دهد.

### ۲. بخش غیررسمی

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، علاوه بر تولیدات خانگی، در کنار تولیدات سنتی و بخش صنعتی مدرن، بخش دیگری وجود دارد که مورد توجه اقتصاددانان است. این همان بخش غیر رسمی است که معمولاً شامل تولید کنندگان جزء و کارکنان آنها وهمچنین کسبه و پیشه‌وران کارگر و کارکنان خدمات تجاری، حمل و نقل و دیگر خدمات غیر رسمی است. تفاوت عمده این دو بخش عبارت است از اینکه تولیدات بخش غیر رسمی به خلاف تولیدات خانگی، یا بصورت کالا و خدمت واسطه به سایر تولید کنندگان، یا بصورت کالا و خدمت نهایی به مصرف کننده به فروش می‌رسد و این بدان معنی است که مبادلات بازاری صورت می‌گیرد.

تعریفی که سازمان بین‌المللی کار از این بخش ارائه می‌دهد عبارت است از: «واحدهای بسیار کوچک هستند که کالاها و خدمات تولید و توزیع می‌کنند، و اغلب تولیدکنندگان مستقل و خود شاغل در مناطق شهری کشورهای در حال توسعه را در برمی‌گیرند، تعدادی از آنان از کار کارگران خانوادگی و یا معدود استخدام شده و یا کارآموز استفاده می‌کنند؛ از سرمایه بسیار کم یا بعضاً درجه صفر برخوردارند و از فناوری و مهارتهای

<sup>۱</sup> توماس و دیگران (۱۳۷۶)، ص ۳.

سطح پایین بهره می‌برند؛ آنها اغلب برای کارکنان خود درآمدهای بسیار کم و نامنظم و مشاغل بسیار ناپایدار فراهم می‌آورند<sup>۱</sup>.

در بین کشورهای عضو سازمان بین‌المللی کار کشورهای نیمه بیابانی آفریقایی، بالاترین نسبت غیررسمی را از کل اشتغال دارند و کشورهای در حال گذار اروپای شرقی و مرکزی و کشورهای مشترک المنافع (CIS) از پایین‌ترین سهم برخوردارند<sup>۲</sup>.

### ۳. بخش نامنظم

تمام فعالیتهای طبقه بندی شده در این بخش، کم و بیش نوعی از ماهیت غیر قانونی بودن؛ مانند فرار از مالیات و مقررات؛ نظیر مقررات کار در رعایت تدابیر ایمنی در کارگاه، بیمه‌های اجتماعی و امثال آن را دارند ویژگی عمده فعالیتهای این بخش آن است که با وجود قانونی و مجاز بودن اصل تولید کالا و خدمت، در نحوه تولید و یا توزیع آن کاری خلاف و غیر قانونی صورت گرفته است.

### ۴. بخش غیر قانونی

همانطور که قبلاً اشاره شد، تولیدات بخش نامنظم، قانونی و مجاز است؛ ولی تولیدات بخش غیر قانونی؛ شامل فعالیتهای و تولید کالاها و خدمات خلاف نظیر: مال دزدی، اخازی، تولید و خرید و فروش مواد افیونی، فحشا و ... می‌باشد. شواهد و قرائن موجود، احتمال گستردگی این پدیده را در اقتصاد ایران تقویت می‌کند. این مقاله، نتایج پژوهش انجام شده در زمینه و روند تحولات اقتصاد زیرزمینی در ایران را طی هشت سال (۱۳۷۵-۱۳۸۲) نشان می‌دهد که پس از مقدمه در سه بخش بعدی مقاله، به ترتیب، به تشریح برخی مفاهیم و تعاریف پرداخته می‌شود. سپس روش شناسی بکار

<sup>۱</sup>. سازمان بین‌المللی کار، *کار شایسته و اقتصاد غیررسمی*، ترجمه محمد، ضیایی بیگدلی، (تهران، پژوهشکده اقتصاد و دارایی، ۱۳۸۳)، ص ۳۵.  
<sup>۲</sup>. همان.

رفته در این پژوهش تشریح می‌گردد. آنگاه در چارچوب الگوی مذکور، به برآورد الگو و ارائه نتایج می‌پردازیم و جمع بندی و نتیجه‌گیری، بخش انتهایی این مقاله است.

## مفاهیم، تعاریف و کلیات

بیشتر تعاریف ذکر شده درباره اقتصاد زیرزمینی پیچیده و کلی است که در رابطه با این تعاریف دو پرسش، باید مطرح شود:

نخست: در حالت کلی مجموع فعالیتهای انسانی که اقتصاد را می‌سازد چیست؟

دوم: مرز اقتصاد آشکار و پنهان کجا است؟

دشواری تعریف اقتصاد زیرزمینی ناشی از طبیعت متفاوت فعالیتهای اقتصادی مربوط به آن است. این مسئله زمانی اهمیت می‌یابد که محقق بخواهد از میزان دقت محاسبه تولید ملی آگاهی یابد. به هر حال در ذیل تعاریف گوناگونی مطرح می‌شود که بعضاً هم پوشی زیاد نیز دارند.

### تعریف خلعتبری<sup>۱</sup>

«منظور از اقتصاد زیرزمینی مجموعه ای از فعالیتهای مؤلد ارزش افزوده است که در قالب اقتصاد رسمی تعریف و گنجانده نمی‌شود. فعالیتهای خارج از بازار خانوار و سازمانهای غیر انتفاعی و نیز آنگونه از فعالیتهای بازار که به دلایل گوناگون دور از چشم مقامات باقی می‌ماند، مجموعه فعالیتهای سازنده اقتصاد زیرزمینی را بوجود می‌آورد.»

### تعریف ژرمانگ<sup>۲</sup> (۱۹۹۲)

«منظور از اصطلاح اقتصاد زیرزمینی هرگونه فعالیت اقتصادی است که در حاشیه قوانین کیفی اجتماعی و مالیاتی انجام می‌گیرد. به عبارت دیگر، فعالیتی است که در آمد

۱. فیروزه خلعتبری، «اقتصاد زیرزمینی»، *مجله رونق*، سال اول، شماره دوم، (۱۳۶۹)، ص ۱۱-۵.

۲. مارک، ژرمانگ دبار، «دامهای اقتصاد زیرزمینی»، *مجله پیام یونسکو*، شماره ۳۱۳، (۱۳۷۵)، صص ۲۴-۲۲.

سالانه آن ثبت نمی شود. «این تعریف شامل دو نوع اقتصاد زیرزمینی است: اقتصاد پنهان و اقتصاد پایاپای و خود گردان.

### تعریف توماس<sup>۱</sup> (۱۳۷۶)

«در مفهوم وسیع، منظور از اقتصاد غیررسمی، فعالیتهایی است که به عللی در حسابهای ملی نمی آید.»

### تعریف اشنایدر دانست<sup>۲</sup>

همه فعالیتهایی که در GNP ای که بطور رسمی اندازه گیری شده، وارد نمی شود.

### تعریف اسمیت<sup>۳</sup>

وی اقتصاد زیرزمینی را به عنوان تولید مبتنی بر بازار کالاها و خدمات تعریف می کند که چه به صورت قانونی و چه به صورت غیرقانونی از منظور شدن در تخمین رسمی GNP طفره می رود.

تعریفی را که ما از اقتصاد زیرزمینی ارائه داده و در این پژوهش مورد استفاده قرار می دهیم، عبارتند از: «کلیه فعالیتهایی که بطور قانونی یا غیر قانونی در اقتصاد صورت گرفته و مولد ارزش افزوده هستند؛ ولی به علت ماهیت پنهانی که دارند مالیات گریزند و در حسابهای ملی وارد نمی شوند.»

<sup>۱</sup> توماس جی جی و دیگران، *اقتصاد غیررسمی*، ترجمه منوچهر نوربخش و کامران سپهری، (تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی)، ۱۳۷۶، ص. ۳.

<sup>۲</sup> H. Fleming Mattew, John Roman, And Graham Farrell, "The Shadow Economy". (Spring 2000), p. 389.

<sup>۳</sup> *Ibid.*

## انگیزه ایجاد اقتصاد زیرزمینی

ماهیت فعالیتهای اقتصاد زیرزمینی می‌تواند بسیار گسترده باشد. فعالیت نامشروع، خلاف اخلاق، غیر قانونی، قاچاق، سوء استفاده از نامهای تجاری، فعالیتهای مربوط به مواد مخدر، ارز و اسلحه و غیره از مهمترین فعالیتهای اقتصاد زیرزمینی است.

برخی از فعالیتهای این بازار در نفس خود ماهیت غیر قانونی ندارند، اما به دلایلی در عمل به صورت غیر قانونی ارائه می‌شوند. فعالیتهایی که به قصد فرار از مالیات، دوری از کنترل قیمت و به منظور دور ماندن از چشم مقامات صورت می‌گیرد نیز جز فعالیتهای اقتصاد زیرزمینی محسوب می‌شوند.

فرار از مالیات هم اکنون نیز در کشورهای صنعتی جهان بسیار ملموس است و این امر اختلالهای جبران ناشدنی را به همراه دارد.

فرار از کنترل قیمت می‌تواند انگیزه خوبی برای روی آوری به بازار سیاه باشد. زمانی که در اقتصاد، قیمت‌گذاری کالاها و جیره‌بندی وجود دارد، فروش کالا و خدمت در بازار سیاه می‌تواند سود سرشاری نصیب کارگزاران سازد.

انگیزه دیگر ترویج بازار سیاه، گریز از ضوابط مقداری تولید در برنامه‌ریزی مرکزی تولید است. این نوع برنامه‌ریزی را می‌توان در کشورهای سوسیالیستی مشاهده کرد. در بسیاری از کشورها ضوابطی برای سقف تولید وجود دارد. در مورد مواد مخدر سقف مجاز تولید در واقع صفر است. در برنامه ریزیهای مرکزی، کف تولید هم مشخص می‌شود.

تنها گریز از ضوابط برنامه، عامل ایجاد بازار سیاه نیست. جدیت در رسیدن به هدفهای کیفی برنامه نیز می‌تواند منجر به بازار سیاه گردد. یک مثال ساده می‌تواند وضع را روشن کند. وقتی تولید یک کالای واسطه‌ای، مورد استفاده چند واحد تولیدی بسیار محدود باشد، هر یک از متقاضیان که زودتر به کالای مورد نیاز خود برسد، می‌تواند با سرعت بیشتر تولید کند و با کسب موفقیت، پاداشی نصیب خود سازد. بنابراین، به دفعات دیده می‌شود که مدیران با اعمال نفوذ می‌کوشند هر چه سریعتر به مواد مورد تقاضای خود دست یابند. پرداخت رشوه می‌تواند بسیاری از موانع را رفع کند. در صورتی که محصول نهایی تولید در بازار سیاه وجود داشته باشد، خریدار مواد واسطه‌ای با پرداخت وجوه اضافی و سوق دادن محصول نهایی به بازار





سیاه می‌تواند تولید کننده نهایی و تولید کننده واسطه‌ای را ثروتمندتر سازد. بنابراین مبادله در بازار سیاه می‌تواند مقبول افتد.

در پاره‌ای از موارد پرداختهای ارزی، انگیزه‌ای برای گسترش بازار سیاه است. جز مبالغی که به صورت رشوه و کار مزد در جریان تجارت خارجی پرداخت می‌شود، در برخی از موارد پرداختهای اتفاقی وجود دارد که دریافت‌کننده وجه، حتی از ابتدای کار به فکر ورود به بازار سیاه نبوده است؛ برای مثال یک شرکت بازرگانی را در نظر بگیرید که در سطح بین‌المللی فعالیت می‌کند، ولی برای گریز از پرداخت مالیات نام خود را به ثبت نمی‌رساند. این امر نشان می‌دهد که درآمدهای نانوشته‌ای در اقتصاد وجود دارد که هزینه می‌شوند؛ ولی در حسابهای ملی وارد نمی‌شوند، اغلب هیچ برآوردی از حجم درآمدهایی این چنینی وجود ندارد، نمودار (۱) نمایانگر مجموع فعالیتهای اقتصادی است.

### روشهای برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی (نامنظم)

- محاسبه نسبت نقد
- روش برآورد حجم نقل و انتقالات
- روش مدل های رگرسیونی
- مدل سازی تقریبی<sup>۱</sup>
- روش متغیرهای غیرقابل مشاهده
- مطالعه بازار کار
- روش های متفرقه<sup>۲</sup>
- روش برآورد حجم اسکناس های درشت
- روش برآورد اختلاف بین ارقام درآمد و هزینه
- روش پالرمو

<sup>۱</sup>. Frey, Bruno S. and Hannelore Weck, "Estimating the Shadow Economy: a 'native' Approach", *Oxford Economic Papers*, 35, (1983b), pp.23-44

<sup>۲</sup>. فیروزه خلعتبری، پیشین، صص ۱۱-۱۸.

- روش برآورد اختلاف بین آمارهای مالیاتی واقلام درآمد ملی
- روش برآورد اختلاف بین درآمد وهزینه خانوار
- روش علت یابی
- روش بررسی موردی صنایع
- روش همه پرسی
- روش مراجعه مستقیم به مأموران مالیات
- روش مطالعات اجتماعی
- مطالعات مالیاتی

## مطالعات انجام شده در زمینه اقتصاد زیرزمینی

### مطالعات انجام شده در خارج از کشور

مطالعات در این زمینه با مقاله «کیگان»<sup>۱</sup> برای اقتصاد آمریکا آغاز شد. از آن پس افرادی چون «تانزی»<sup>۲</sup>، «فری»<sup>۳</sup>، «فایگ»<sup>۴</sup> و سایر پژوهشگران اقتصادی در مطالعات متعددی به بسط و گسترش روشهای اندازه گیری اقتصاد زیرزمینی پرداخته اند. این پژوهشها در سه حوزه روشهای خرد و کلان و مطالعات بین رشته ای، انجام شده که هر کدام دارای مزایا و معایب خاص خود است. در حقیقت، نحوه تعلق پژوهشگر از اقتصاد زیرزمینی تا حدود زیادی در انتخاب روش مطالعه و گستره آن مؤثر واقع می شود.

«اشنایدر»<sup>۵</sup> و «انست»<sup>۶</sup> روشهای مذکور و کاربرد آنها را در ۶۷ کشور در حال توسعه و کشورهای صنعتی غرب مرور کردند. پژوهش «چاگ»<sup>۷</sup> و «وپال»<sup>۸</sup> به نام «اقتصاد سیاه هند»

<sup>1</sup>. Kigan (1958).

<sup>2</sup>. Tanzi (1980).

<sup>3</sup>. Frey

<sup>4</sup>. Feige (1986).

<sup>5</sup>. Schnider (2000).

<sup>6</sup>. Enste (2000).

<sup>7</sup>. Chagh

<sup>8</sup>. Uppal (1986).

و شبسای<sup>۱</sup> در مطالعه اقتصاد زیرزمینی پاکستان، از جمله تلاشهای اندازه گیری این پدیده بوده است.

## مطالعات انجام شده در ایران

خلعتبری (۱۳۶۹) در نخستین کوشش خود برای برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی ایران، از روش نسبت نقد استفاده کرد. وی با مینا قرار دادن سالهای ۱۳۵۶-۱۳۵۵ به منزله سالهای پایه، حجم اقتصاد زیرزمینی را در سال ۱۳۶۵ معادل ۸/۳۲ درصد درآمد اقتصاد رسمی محاسبه کرد.

وی در سال ۱۹۹۴ گزارش «مطالعه‌ای در باره ماهیت اقتصاد سایه در جمهوری اسلامی ایران» برای UNDP تهیه نمود که در آن با استفاده از روش شکاف درآمد - هزینه، حجم اقتصاد سیاه را نسبت به اقتصاد رسمی طی یک دوره ۳۴ ساله بین شش تا نه درصد ارزیابی می‌نماید.

خلعتبری از دو روش نسبت نقد و اختلاف درآمد و هزینه خانوار، برای اندازه گیری اقتصاد زیرزمینی سود برده است. در این بررسی، نسبت اقتصاد زیرزمینی به اقتصاد رسمی برای سال ۱۹۹۰، معادل ۲۴/۶۵ درصد تخمین زده شده است. سپس وی با بررسی و تحلیل اختلاف ارقام درآمد و هزینه خانوار، در هر یک از دهک‌ها در سالهای ۱۹۸۳-۱۹۸۹ با یادآوری موارد نقض اطلاعات، حجم اقتصاد زیرزمینی را ۲۴/۴۳ درصد تخمین می‌زند.

معاونت بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری (۱۳۷۶) در پژوهشی از دو روش پولی نسبت نقد و تخمین معادله رگرسیونی تقاضای پول، به منظور برآورد اقتصاد زیر زمینی استفاده می‌کند که در روش نخست؛ حجم اقتصاد زیرزمینی را برای سالهای ۱۳۷۱-۱۳۴۰، با در نظر گرفتن سالهای ۱۳۵۳-۱۳۵۲ و همچنین سالهای ۱۳۵۶-۱۳۵۵، به‌عنوان سالهای پایه معادل هفت تا هشت درصد برآورد می‌کند؛ در روش دوم حجم اقتصاد زیرزمینی برای سالهای ۱۳۷۱-۱۳۵۸ براساس دو تصریح متفاوت از معادله تقاضای پول بدست آمده، به ترتیب ۳۷ و ۳۸ درصد است.

<sup>۱</sup>. Shabsigh (1995).

طاهر فرد نیز از دو روش نسبت نقد و تخمین معادله رگرسیونی تقاضای پول برای تعیین حجم اقتصاد زیرزمینی طی سالهای ۱۳۷۴-۱۳۵۳ استفاده کرد و حجم اقتصاد زیرزمینی را معادل ۱۸ تا ۳۶ درصد اقتصاد رسمی برآورد کرد.

باقری گرما رودی (۱۳۷۹) از تصریح معادله رگرسیونی برای کاربرد روش پولی، به منظور برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران سود برده است. وی در مطالعات خود، سالهای ۱۳۷۴-۱۳۵۵ را مدنظر قرار داد و حجم اقتصاد زیرزمینی را معادل ۲۳ درصد تخمین زد. اشراف زاده و مهرگان (۱۳۷۹) نیز در مقاله‌ای با الهام از الگوی شبسای، حجم اقتصاد زیرزمینی را برای دوره ۱۳۷۴-۱۳۵۵ معادل ۱۲ درصد اقتصاد رسمی برآورد کرد.

عرب مازار یزدی (۱۳۸۰) در یک پژوهش جامع، از روش تخمین نظام معادلات همزمان که در برگیرنده متغیرهای پنهان می‌باشد، برای برآورد حجم اقتصاد سیاه استفاده کرد و حجم اقتصاد زیرزمینی را طی سه دوره (۱۳۵۷-۱۳۴۷)، (۱۳۶۷-۱۳۵۸) و (۱۳۷۷-۱۳۶۸) حدود ده، هشت و شانزده درصد محاسبه کرد.<sup>۱</sup>

جمال منش (۱۳۸۱) به برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی با استفاده از روش رگرسیونی تقاضای پول برای دوره ۱۳۷۹-۱۳۵۵ پرداخت و بیان داشت که حجم اقتصاد زیرزمینی طی دوره مورد نظر با فراز و نشیب بسیاری همراه بوده است؛ بدین معنی که از ۹/۶ درصد رسمی در سال ۱۳۶۵، پس از نوسانات بسیار به ۱۷/۲۲ درصد در سال ۱۳۷۸ و ۱۴/۶۵ درصد در سال ۱۳۷۹ رسیده است و در نهایت حجم اقتصاد زیرزمینی بطور متوسط طی دوره مورد نظر معادل ۱۲/۶۱ درصد اقتصاد رسمی بوده است.

## روش شناسی برآورد

در این قسمت به برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی با استفاده از دو روش «شکاف درآمد - هزینه خانوار» و «نسبت نقد» می‌پردازیم.

<sup>۱</sup> علی عرب مازار یزدی، «اقتصاد سیاه در ایران»، (تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۴)، ص ۲۱۷ - ۱۷۱.

## روش «شکاف درآمد هزینه خانوار»

در این روش در سطح خرد، خانوارها می‌توانند معیار خوبی برای نمایش حجم اقتصاد زیرزمینی باشند. اختلاف بین درآمد هزینه خانوار، نشان دهنده اقلام گزارش نشده درآمد خانوار و خالص خلاف گویی خانوار در دو طرف درآمد و هزینه است. «دیلنا و موریس» با استفاده از این روش کاربرد آمارهای مربوط به هفت هزار خانوار بریتانیایی در سال ۱۹۷۷ به این نتیجه رسیدند که ده تا پانزده درصد خانوارها، درآمد بازگو نشده دارند؛ ولی کل درآمدهای پنهان شده آنها رقم کوچکی است که در حدود سه درصد محصول ناخالص داخلی است.

برآوردهایی که از بودجه خانوارهای شهری در ایران وجود دارد، در سالهای اخیر هزینه های خانوارها بیش از اندازه اضافه بر درآمدهای خانوار نشان می‌دهد، نکته جالب توجه اینکه درصد انحراف هزینه از درآمد، در خانوارهای کم درآمدتر به مراتب بیشتر است. هزینه ها در پایین ترین گروههای درآمدی بطور متوسط چندین برابر درآمد است. در بالاترین گروههای درآمد می‌توان مازاد درآمد بر هزینه را مشاهده کرد. در این ارزیابی چندین نکته قابل تعمق وجود دارد:

۱. خانوارهای کم درآمدتر تمایل مشهودی به نشان ندادن بخشی از درآمدهای خود دارند.
۲. در خانوارهای کم درآمدتر تمایل حفظ آبرو و مسائل اجتماعی دلیلی است برای بیش نمایی هزینه خانوار.
۳. در خانوارهای پر درآمدتر، درآمدهای گزارش نشده باید ماهیت انتقال منابع به خارج از کشور را داشته باشد. بنابراین بررسی هزینه و درآمد خانوارها می‌تواند راهنمای مفیدی برای شناخت و تعیین نفوذ اقتصاد زیرزمینی در تحقیقات مختلف درآمدی کشور باشد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> فیروزه خلعتبری، پیشین، ص ۹.

اساس محاسبه اقتصاد زیرزمینی در این روش محاسبه شکاف بین در آمد و هزینه خانوار در دهک‌های<sup>۱</sup> درآمدی است. برای این کار نیاز به متوسط هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی و همچنین متوسط درآمد خانوار در هر یک از دهک‌های درآمدی می‌باشد.

در این پژوهش ما به دنبال محاسبه این شکاف در یک دوره هشت ساله از

۱۳۸۲-۱۳۷۵ هستیم.

روابط مورد نیاز در این روش عبارتند از:

الف) مازاد هزینه : هزینه منهای درآمد.

ب) خطای نسبی:  $\frac{\text{متوسط در آمد} - \text{مجموع متوسط هزینه‌ها}}{\text{متوسط درآمد}}$

متوسط درآمد

### بر آورد الگو و نتایج

با توجه به آمارهای جمع آوری شده از سالنامه های آماری مرکز آمار در مورد هزینه (متوسط هزینه‌های خوراکی و غیر خوراکی خانوارهای شهری<sup>۲</sup> در هر یک از دهک‌های درآمدی) و همچنین درآمدهای خانوار ( متوسط درآمدهای خانوار شهری در هر یک از دهک‌های درآمدی)، در ابتدا برای هر یک از دهک‌های سالهای مورد نظر مازاد هزینه را با توجه به رابطه (الف) محاسبه می‌کنیم.

علاوه بر محاسبه خطای نسبی، از آنجایی که خانوارهای موجود در هر از دهک‌ها به دلایلی که قبلاً در بخش پیشین بیان شد سعی در کم نمایی در آمد خود و زیاده نمایی هزینه‌های خویش دارند، باید برای محاسبه دقیق میزان اقتصاد زیرزمینی، با توجه به خطای نسبی، درصدی را برای کم نمایی درآمد و درصدی را نیز برای زیاده نمایی هزینه فرض کنیم. بنابراین فرض می‌کنیم که:

۱. زیاده نمایی هزینه معادل ۳۰٪ است.

<sup>۱</sup>. دلیل استفاده از دهک‌ها آن است که ارقام آنها از گروههای درآمدی دقیق تر است.

<sup>۲</sup>. در این پژوهش ما تنها به بررسی اقتصاد زیرزمینی در خانوارهای شهری می‌پردازیم.

۲. کم‌نمایی درآمد معادل ۲۰٪ است<sup>۱</sup>.

بنابراین میزان فرضی را از خطای نسبی در هر یک از دهک‌ها کم می‌کنیم. بعد از این مرحله می‌توان از طریق محاسبه میانگین دهک‌ها در هر سال، حجم اقتصاد زیرزمینی را برای هر سال و سپس برای دوره مورد نظر محاسبه نمود. جدول (۱) نمایانگر همین مطلب است.

جدول ۱. حجم اقتصاد زیرزمینی

سال	میانگین	حجم اقتصاد زیرزمینی به درصد
۱۳۷۵	-۰,۰۹۶۶	٪۹,۶۶
۱۳۷۶	-۰,۲۹۵۵	٪۲۹,۵۵
۱۳۷۷	-۰,۲۲۳	٪۲۲,۳
۱۳۷۸	۰,۸۵۰۴	٪۸۵,۰۴
۱۳۷۹	-۰,۲۱۲	٪۲۱,۲
۱۳۸۰	-۰,۲۱۷	٪۲۱,۷
۱۳۸۱	-۰,۲۶۵	٪۲۶,۵
۱۳۸۲	-۰,۴۵۹	٪۴۵,۹

با توجه به جدول بالا می‌توان نتیجه گرفت که که حجم اقتصاد زیرزمینی طی دوره مذکور بطور متوسط حدود ۸۴/۳۲٪ اقتصاد رسمی می‌باشد<sup>۲</sup>.

اما رقم محاسبه شده برای اقتصاد زیرزمینی بسیار بزرگ است، علت این امر انحراف رقم دهک اول متوسط درآمد خانوار در سال ۱۳۷۸ (۷۹۹۰۷) می‌باشد که در نتیجه یک

<sup>۱</sup> فروض مورد نظر با توجه به داده‌های آماری و هم چنین موارد ذکر شده در بخش ۵-۱ در نظر گرفته شده‌اند.

<sup>۲</sup> به سالنامه آماری مرکز آمار سال ۱۳۷۸ مراجعه شود.



شکست ساختاری در درآمد پولی از مشاغل آزاد غیر کشاورزی به وجود آمده است. این شکست در نمودار (۲) قابل مشاهده است.

دهک‌ها که نمایانگر گروه‌بندی خانوارهای شهری براساس متوسط درآمد است، نشان می‌دهند که خانوارهای کم درآمد شهری در دهک اول قرار دارند. و این گروه از افراد براساس دلایلی که قبلاً بیان شد؛ به اظهار دقیق درآمدها و هزینه‌های خود نمی‌پردازند و همین امر موجب محاسبه غیر دقیق تر حجم اقتصاد زیرزمینی می‌گردد. بنابراین باید در محاسبات صورت گرفته، در پی تعدیل‌هایی باشیم. برای این کار دهک‌های اول درآمد و هزینه‌ها را حذف کرده و به محاسبه مجدد می‌پردازیم.

جدول (۲) نمایانگر حجم اقتصاد زیرزمینی بعد از تعدیل در هر سال است.

جدول ۲. حجم اقتصاد زیرزمینی بعد از تعدیل در هر سال

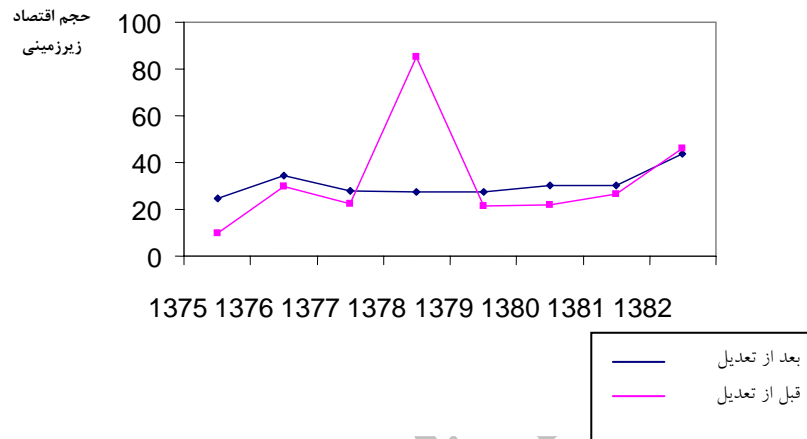
سال	میانگین	حجم اقتصاد زیرزمینی به درصد
۱۳۷۵	-۲,۴۸۳	٪۲۴,۸۳
۱۳۷۶	-۳,۴۳۲	٪۲۴,۳۲
۱۳۷۷	-۲,۸۰۵	٪۲۸,۰۵
۱۳۷۸	-۲,۷۲۳	٪۲۷,۲۳
۱۳۷۹	-۲,۷۵	٪۲۷,۵
۱۳۸۰	-۳,۰۲۹	٪۳۰,۲۹
۱۳۸۱	-۳,۰۴۲	٪۳۰,۴۲۲
۱۳۸۲	۴,۳۹	٪۴۳,۹

با توجه به جدول بالا حجم اقتصاد زیرزمینی طی دوره مورد نظر، بطور متوسط

۳۰/۸۱٪ حجم اقتصاد رسمی است.

نمودار (۲) بیانگر حجم اقتصاد زیرزمینی قبل و بعد از تعدیل است.

نمودار ۴. مقایسه اقتصاد زیرزمینی قبل و بعد از تعدیل



### روش شناسی «نسبت نقد»

روش بسیار ساده برآورد نسبت نقد، نخستین بار توسط کیگان در سال ۱۹۵۸ و برای برآورد درآمدهای گزارش نشده مردم در دوره جنگ جهانی دوم بکار گرفته شد. بعد ها از این روش برای محاسبه حجم اقتصاد زیرزمینی کشورهای مختلف استفاده کردند.

چارچوب محاسبه به شرح زیر است:

فرض کنید که:

$C$  : حجم اسکناس و مسکوک در جریان.

$D$  : حجم سپرده‌های دیداری در اقتصاد.

$Y_o$  : درآمدهای اقتصاد رسمی

$Y_u$  : درآمدهای اقتصاد زیرزمینی.

$K_o$  : نسبت نقد در اقتصاد رسمی.

$K_u$  : نسبت نقد در اقتصاد زیرزمینی

$V_o$  : سرعت گردش درآمد در اقتصاد رسمی.

$V_u$  : سرعت گردش درآمد در اقتصاد زیرزمینی.

هدف، محاسبه  $Y_u$  در اقتصاد است. بنا به تعریف:

$$\begin{aligned} C &= C_o + C_u \\ D &= D_o + D_u \end{aligned} \quad (1)$$

اندیس  $u$  نشان دهنده اقتصاد زیرزمینی و اندیس  $o$  نشان دهنده اقتصاد رسمی است، در این صورت:

$$\begin{aligned} K_o &= \frac{C_o}{D_o} \\ K_u &= \frac{C_u}{D_u} \\ V_o &= \frac{Y_o}{(C_o + D_o)} \\ V_u &= \frac{Y_u}{(C_u + D_u)} \end{aligned} \quad (2)$$

سرعت نسبی گردش درآمد در اقتصاد رسمی به اقتصاد زیرزمینی را می توان با :

$$a = \frac{V_o}{V_u} \quad (3)$$

نشان داد. با استفاده از این مجموعه معادلات  $Y_u$  به شرح زیر بدست می آید:

$$Y_u = \frac{1}{a} Y_o \frac{(K_u + 1)(C - K_o D)}{(K_o + 1)(K_u D)} \quad (4)$$

کلیه متغیرهای بالا قابل محاسبه هستند یا می‌توان با فرضهایی به نسبت قابل قبول به آنها دست یافت. بنابراین، با استفاده از متغیرهای کلان اقتصادی می‌توان برآوردی از حجم درآمدی که در اقتصاد زیرزمینی در گردش است، بدست آورد.

در این روش فرض می‌شود:

۱. تنها اقتصاد رسمی کشور می‌تواند سپرده دیداری بپذیرد و یگانه وسیله پرداخت

در اقتصاد زیرزمینی وجه نقد است. در این حالت  $D_u = 0, K_u = \infty$  است.<sup>۱</sup>

۲. نسبت نقد در طول زمان ثابت است؛ یعنی  $K_o$  با زمان تغییر نمی‌کند و عددی ثابت است.

۳. قدرت خلق درآمد از هر ریال سوق داده شده به اقتصاد رسمی درست مانند

قدرت خلق درآمد از هر ریال سوق داده شده به اقتصاد زیرزمینی است؛ یعنی

$a = 1$  است، در این صورت درآمد خلق شده در اقتصاد زیرزمینی با استفاده از

رابطه زیر بدست می‌آید:

$$Y_u = Y_o \frac{(C - K_o D)}{(K_o + 1)D} \quad (5)$$

دو برآورد بالا دچار یک عیب ساختاری است؛ یعنی هر قدر بر دقت برآورد درآمد

رسمی افزوده شود و رقم بزرگتری بابت درآمد در اقتصاد رسمی بدست آید، رقم درآمد در

اقتصاد زیرزمینی هم بزرگتر می‌شود، حال آنکه به حکم منطق، رقم مورد بحث باید کوچکتر

شود. برای رفع این نقیصه باید درآمدهای ثبت نشده ای را که بصورت برآوردی در رقم درآمد

رسمی درج شده اند از دو طرف حذف کرد.

برای محاسبه حجم درآمد در بازار غیر متشکل باید برآوردی نیز از ضریب گردش

درآمد در اقتصاد رسمی بدست آورد.

<sup>۱</sup> اگر به نقش صندوقهای قرض الحسنه در سالهای اخیر توجه شود، وجود فرض اخیر در ایران تردید آمیز می‌شود.

صندوقهای قرض الحسنه در واقع قادرند سپرده دیداری خارج از اقتصاد رسمی کشور را بوجود آورند. ما این فرض را برای

ساده سازی مدل در نظر می‌گیریم.

روش متداول این است که رقم اخیر برای دوره ما قبل دوره ایجاد اقتصاد زیرزمینی محاسبه و استفاده شود.

با توجه به آنچه که در بالا بیان شد، حجم اقتصاد زیرزمینی طی سالهای ۱۳۷۵-۱۳۸۲ با استفاده از این روش برآورد می‌شود.

نخست سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ را به‌عنوان سالهای پایه در نظر می‌گیریم؛ چرا که تصور می‌شود حجم اقتصاد زیرزمینی در این سالها آنقدر پایین است که می‌توان آن را صفر در نظر گرفت. با توجه به ارقام اسکناس و مسکوک و سپرده های دیداری این سالها  $K_o$  را محاسبه می‌کنیم. جدول (۳) بیانگر همین مطلب است.

جدول ۳. محاسبه نسبت نقد در اقتصاد رسمی

سال	C	D	$K_o$
۱۳۵۵	۲۴۸,۶	۳۶۲,۰	۶۸,۶۷
۱۳۵۶	۳۲۵,۴	۴۶۵,۵	۶۹,۹۸

منبع: برگرفته از ترازنامه بانک مرکزی.

باتوجه به جدول بالا داریم:

$$K_o = ۳.۶۹$$

با توجه به به فرمول (۵) حجم اقتصاد زیرزمینی در هر سال عبارت است از :

جدول ۴. حجم اقتصاد زیرزمینی

سال	$\frac{Y_u}{Y_o}$	$Y_u$
۱۳۷۵	-۰,۳۹	۸۰۷۱۰,۵۷۸
۱۳۷۶	-۰,۲۱۹	۵۳۶۲۳,۷۷
۱۳۷۷	-۰,۲۱۱	۵۸۳۴۶,۰۹۹
۱۳۷۸	-۰,۲۰۷	۷۶۲۹۷,۲۶۲
۱۳۷۹	-۰,۲۴	۱۱۹۲۵۲,۱۳۶
۱۳۸۰	-۰,۲۵	۱۴۴۶۷۲,۷۵
۱۳۸۱	-۰,۲۷	۲۱۲۵۳۴,۵۵
۱۳۸۲	-۰,۲۸	۲۶۱۹۵۷,۳۶

این برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی به دلیل نادیده گرفتن دلاری شدن نارسا است. در این حالت مقداری از پولهای خارجی به جای پول ملی به گردش می‌افتد. معادل ریالی این پولها در واقع رقمی است که باید به حجم اسکناس و مسکوک افزوده شود.

در این حالت فرض می‌کنیم که دلاری شدن تنها +۳٪ بر حجم مؤثر اسکناس و مسکوک می‌افزاید. علاوه بر این تغییر نظام سپرده پذیری که در پی اعلام بانکداری اسلامی بوجود آمد، درصدی از سپرده های پس انداز را به هر یک از دو نوع سپرده دیداری و مدت دار تقسیم کرد. به این ترتیب، بخشی از افزایش سپرده های خصوصی نزد بانکهای کشور در واقع از تقاضای نقل و انتقال ناشی نمی شد، اما به دلیل نامعلوم بودن برتری حسابهای پس انداز بر حسابهای جاری بوجود آمده بود؛ از این لحاظ ایجاد تعدیلی در حسابهای دیداری سالهای مذکور ضرورت دارد. شاید دور از ذهن نباشد اگر ۲۰٪ از حجم سپرده های دیداری را سپرده‌هایی بدانیم که در واقع ماهیت نقل و انتقالی در نگهداری آنها دخالت ندارد.

بنابراین در جدول (۵) داریم :

جدول ۵. حجم اقتصاد زیرزمینی

سال	C	D	حجم اقتصاد زیرزمینی به درصد
۱۳۷۵	۱۷۱۸۰,۹۳	۳۴۴۴۴,۶۴	۱۱,۴۷-
۱۳۷۶	۲۱۵۳۲,۲۸	۳۸۳۳۸,۸	۷,۶-
۱۳۷۷	۲۸۱۵۹,۶۵	۴۴۸۰۹,۰۴	۳,۱۸-
۱۳۷۸	۳۵۳۹۰,۸۰	۵۱۷۰۵,۳۶	۰,۵-
۱۳۷۹	۴۲۷۶۹,۱۱	۷۱۴۰۹,۷۶	۵,۵۵-
۱۳۸۰	۵۲۵۳۹,۶۶	۹۱۰۱۴,۴	۶,۶۸-
۱۳۸۱	۶۶۰۸۲,۱۹	۱۱۸۲۹۸,۰۸	۷,۹۳-
۱۳۸۲	۷۷۴۶۵	۱۴۲۸۹۹,۴۴	۸,۹۱-

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، ارقام حاصله برای حجم فعالیت اقتصاد زیرزمینی در برخی از سالها منفی می‌باشد و دلیل آن عبارت است از:

۱. عدم گسترش حجم اسکناس، بخاطر سیاست کاهش ارزش ریال.
۲. جانشینی ارز بجای پول ملی در اقتصاد.
۳. صدور و گردش بیش از یکبار چکهای بی نام که در محاسبات پول نقد وارد نمی‌شود.<sup>۱</sup>

بنابراین باید موارد بالا را در مدل در نظر بگیریم و آن را مجدد تعدیل نماییم. برای این کار فرض می‌کنیم که جانشینی ارز در اقتصاد وجود دارد و این جانشینی سبب افزایش ۴۰٪ در حجم پول واسکناس و مسکوک می‌شود و همچنین این جانشینی در سالهای بعد با نرخ ۱۰٪ برای هر سال نیز ادامه می‌یابد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>. فیروزه خلعتبری، بیشین، ص ۱۱.

<sup>۲</sup>. همان.

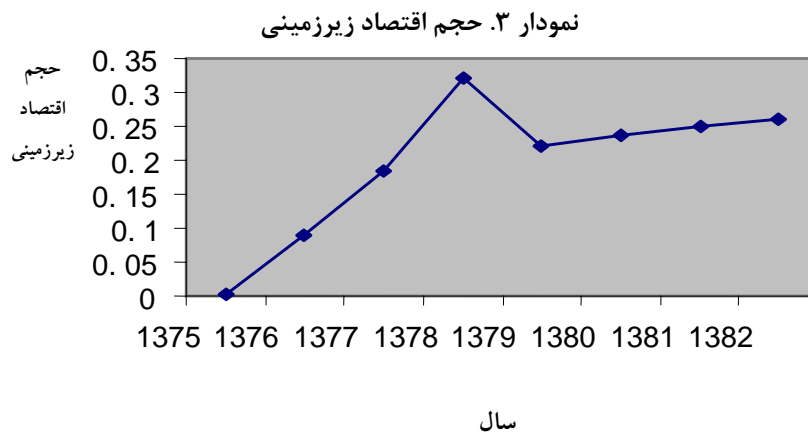
جدول (۶) نمایانگر حجم اقتصاد زیرزمینی در هر یک از سالهای مورد نظر است.

جدول ۶. حجم اقتصاد زیرزمینی

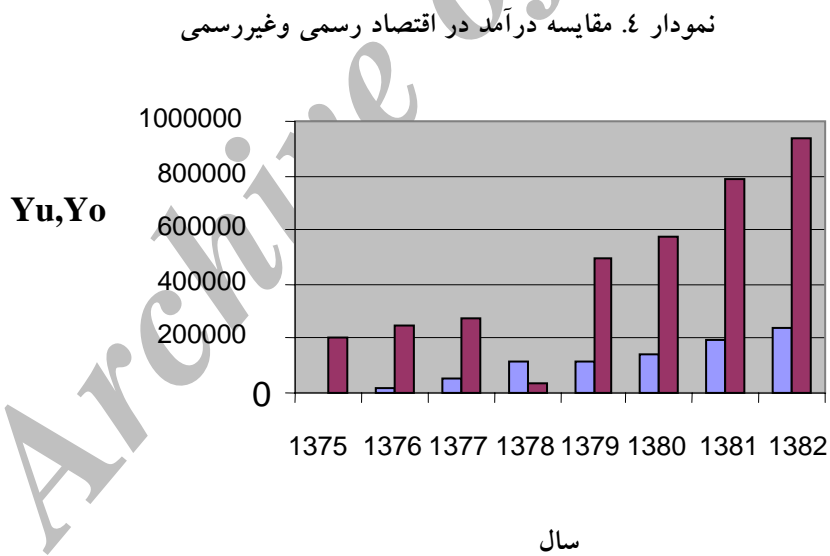
سال	C	D	حجم اقتصاد زیرزمینی به درصد	$Y_{it}$
۱۳۷۵	۲۴۰۵۳,۳۰۲	۳۴۴۴۴,۶۴	۰,۳۱	۶۴۱,۵۴
۱۳۷۶	۳۲۲۹۸,۴۲	۳۸۳۳۸,۸	۸,۸۲	۲۱۵۹۶,۴۲۲
۱۳۷۷	۴۵۰۵۵,۴۴	۴۴۸۰۹,۰۴	۱۸,۴۵	۵۰۸۸۰,۰۱
۱۳۷۸	۶۰۱۶۴,۳۶	۵۱۷۰۵,۳۶	۳۲,۰۷	۱۱۷۹۴۷,۷۱۲
۱۳۷۹	۷۶۹۸۴,۳۹۸	۷۱۴۰۹,۷۶	۲۲,۷	۱۱۲۷۹۲,۶۴
۱۳۸۰	۹۹۸۲۵,۳۵۴	۹۱۰۱۴,۴	۲۳,۸	۱۳۷۷۲۸,۴۵۸
۱۳۸۱	۱۳۲۱۶۴,۳۸	۱۱۸۲۹۸,۰۸	۲۵	۱۹۶۷۹۱,۲۵
۱۳۸۲	۱۶۲۶۷۶,۵	۱۴۲۸۹۹,۴۴	۲۶	۲۴۳۲۴۶,۱۲

باتوجه به جدول فوق نتیجه‌گیری می‌شود که حجم اقتصاد زیرزمینی طی دوره مذکور بطور متوسط ۱۹/۶۴٪ و همچنین حجم در آمد در اقتصاد زیرزمینی حدود ۶۳۸۳۷۸,۰۳۷ است. نمودار (۳) نمایشگر حجم اقتصاد زیرزمینی می‌باشد.





نمودار (۴) نمایانگر مقایسه درآمد در دو اقتصاد رسمی و غیر رسمی است.



## نتیجه‌گیری

در این مقاله از روشهای «شکاف درآمد - هزینه خانوار» و «نسبت نقد» برای کاربرد روش‌شناسی مذکور، با اتکا به مبانی نظری و ادبیات موجود در این زمینه، متناسب با شرایط حاکم بر کشور و در بستر روش مبتنی بر آثار، به تبیین عوامل ایجاد و گسترش اقتصاد زیرزمینی در ایران پرداختیم. ویژگیهای نهادها و محدودیتهای رسمی موجود، شرایط حاکم بر محیط اقتصادی و نیز شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی، مجموعه عواملی است که بستر تصمیم‌گیری آحاد جامعه را، در انتخاب فعالیتهای اقتصادی غیرقانونی، شکل می‌دهد.

با مشخص شدن اجزای الگوی پیشنهادی، دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۸۲ برای آزمون انتخاب شد. محاسبات مذکور نشان داد که حجم اقتصاد زیرزمینی در کشور در حال افزایش است. حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران، طی این دوره هشت ساله با روش اول معادل ۲۱/۸ درصد و با روش دوم معادل ۱۹/۶۴ درصد بوده است.

از برآوردهای مذکور می‌توان نتیجه گرفت که افزایش محدودیتهایی، مانند: محدودیتهای تجاری عدم دسترسی به بازار قوی یا مؤثر و نهادهای غیربازاری، فرآیندهای جمعیتی نظیر مهاجرت گسترده از روستاها به شهرها و شهرهای کوچک به کلان شهرها، تبعیض مستقیم و غیرمستقیم علیه زنان و سایر گروههای آسیب‌پذیر؛ باعث گسترش اقتصاد زیرزمینی می‌شود و از طرف دیگر جهت‌گیری سیاسی آزادسازی تجاری و یا کاهش محدودیتهای قانونی دیگر، بدون فراهم نمودن زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی لازم و همچنین عدم ساده سازی سیاستهای بازدارنده و محدود کننده، منجر به کاهش حجم تجارت غیر قانونی یا دیگر فعالیتهای غیرقانونی نمی‌گردد، بلکه در فقدان یک دولت توانمند و کارآمد، راه برای گسترش اینگونه فعالیتها هموارتر می‌شود.<sup>۱</sup> در پایان سیاستهایی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود.

<sup>۱</sup> فاطمه مهربانی، «بررسی اقتصاد زیرزمینی در ایرانبا استفاده از دو روش «شکاف درآمد- هزینه خانوار» و «نسبت نقد»، پایان نامه کارشناسی ارشد، (پاییز ۱۳۸۴).

۱. نظامند کردن آمارها و اطلاعات<sup>۱</sup>: در واقع آمارها و اطلاعات در کشور ما نظامند و پیوسته نیستند و محققان در راستای دستیابی به اطلاعات، با مشکلات بیشماری مواجه هستند. نظامند نبودن آمارها، بخصوص در کشورهای در حال توسعه بحران آفرین است. نبود اطلاعات دقیق موجب می‌شود که رقمهای محاسبه شده برای اقتصاد زیرزمینی تا اندازه ایی نادرست باشد و ما مجبور به تعدیل محاسباتمان شویم.
۲. بهبود نظام مالیاتی: ما در واقع نیاز به یک سیستم مالیاتی قوی و کارآمد و همچنین ممیزان مالیاتی درستکار که بتوانند به وصول مالیات از مردم بپردازند، داریم.
۳. کنترل وضعیت اشتغال: کاهش نرخ اشتغال در اقتصاد رسمی، نه تنها توجیه‌کننده است؛ بلکه علت افزایش نرخ اشتغال در اقتصاد غیررسمی نیز محسوب می‌شود؛ بویژه اگر موجب ایجاد مشاغل کاذب همچون پیشه وری و کارهای فصلی و... گردد.
۴. کنترل بر توزیع و نوع یارانه.
۵. کنترل ارزی: عارضه دلاری شدن، منابع ریالی گسترده ای را به سمت بازار سیاه سوق می‌دهد و درصدی از مردم، پس‌انداز خود را به جای ریال به دلار نگاه می‌دارند، بنابراین افزایش این نقدینگی خارج از کنترل مقامات پولی، قدرت عمل سیاستهای پولی را به شدت کاهش می‌دهد.
۶. کنترل تقاضا برای پول نقد و چکهای بی نام: بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که وجود پول نقد زیاد در دست مردم، دلیل وجود فعالیتهای زیرزمینی است.
۷. کاهش دخالت دولت در اقتصاد: اغلب موجب بزرگ شدن دولت می‌شود؛ چرا که در این صورت نیازها و به تبع آن مالیات بیشتر شده و درنهایت، افزایش مقررات و کنترل بیشتر بر اقتصاد رسمی، منجر به توسعه فعالیتهای پنهان خواهد شد.
۸. عادلانه کردن توزیع درآمد: شدت نابرابری از لحاظ ساختاری و همچنین فرهنگی، زمینه را برای فعالیتهای زیرزمینی مهیا می‌کند.

<sup>۱</sup>. فیروزه خلعتبری، پیشین، ص ۷.

۹. کاهش کاغذ بازی و ساختار اداری ناکارآمد: بورکراسی و ساختار اداری ناکارآمد منجر به افزایش هزینه تولید و تجارت در اقتصاد رسمی خواهد شد. گاه گرفتن مجوز برای تولید یا صادرات از مراکز متعدد تصمیم‌گیری، با بهره‌وری پایین به بیش از یک ماه زمان نیاز دارد که هزینه و قیمت تمام شده را برای تولید کننده و صادرکننده بشدت افزایش می‌دهد. بنابراین برای کاهش اینگونه هزینه‌ها انگیزه فعالیت در بخش غیررسمی نیز افزایش می‌یابد.

۱۰. مبارزه با قاچاق کالا.

۱۱. اعمال سیاستهای مناسب در جهت کاهش فقر<sup>۱</sup>: در حقیقت فقیر بودن به این معنی است که فرد نمی‌تواند آزادانه بیکار باشد و تقریباً هر شغلی بهتر از بیکاری است. بنابراین فقر روزافزون یکی از دلایل عمده برای رشد اقتصاد غیررسمی محسوب می‌شود.

۱. سازمان بین‌المللی کار، کار شایسته و اقتصاد غیررسمی، ترجمه محمد ضیایی بیگدلی، (تهران، پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۳)، ص ۲۵.

## پی‌نوشتها:

۱. اسفندیاری، علی اصغر و جمال‌منش، آرش. «اقتصاد زیرزمینی و تاثیر آن بر اقتصاد ملی». مجله برنامه و بودجه. سال نوزدهم، شماره ۷۷، (۱۳۸۱).
۲. اسفندیاری، علی اصغر. «تاثیر برنامه‌های اول تا پنجم بر تغییرات ساختاری اشتغال و جایابی نیروی انسانی». مجموعه مقالات همایش پنجاه سال برنامه‌ریزی توسعه در ایران، دانشگاه علامه طباطبائی، (۱۳۷۷).
۳. عرب مازار یزدی، علی. *اقتصاد سیاه در ایران*. مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۴.
۴. اعظم بیگی، علی. «جایگاه بخش غیررسمی در اقتصاد ایران». مجله برنامه و بودجه، سال پنجم، شماره ۲۰ و ۱۹، (آبان و آذر ۱۳۷۶).
۵. جمال‌منش، آرش. «تخمین اقتصاد زیرزمینی و اثر آن بر اقتصاد ملی». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات اهواز، (۱۳۸۱).
۶. توماس، جی‌جی و دیگران. *اقتصادی غیررسمی*. ترجمه و تلخیص منوچهر نوریبخش و کامران سپهری. تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۶.
۷. خلعتبری، فیروزه. «اقتصاد زیرزمینی». مجله رونق، سال اول، شماره ۱ و ۲، (۱۳۶۹).
۸. سازمان بین‌المللی کار. *کار شایسته و اقتصاد غیررسمی*. ترجمه محمد ضیایی بیگدلی، تهران: پژوهشکده امور اقتصادی، سال ۱۳۸۳.
۹. ژرمانگ، مارک دبار. «دامهای اقتصاد زیرزمینی». مجله پیام یونسکو، شماره ۳۱۳، (۱۳۷۵).
۱۰. عرب مازار، علی‌اکبر. «عملیات نمایندگی شرکتهای خارجی در ایران و گریز مالیاتی». مجله مالیات، شماره ۲۶، (۱۳۷۸).
۱۱. عرب مازار، علی. «اقتصاد سیاه در ایران: اندازه، علل و آثار آن در سه دهه اخیر». مجله برنامه و بودجه. شماره ۶۳ و ۶۲، (۱۳۸۰).
۱۲. عرب مازار، علی. «اقتصاد سیاه در ایران: یک رویکرد کلان اقتصادی». رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، (۱۳۸۰).

13. Frey, Bruno S. and Hannelore Weck. "Estimating the Shadow Economy: a 'native' Approach". *Oxford Economic Papers*, No.35, (1983).

14. Vito Tanzi. *Policies, Institutions and Dark Side of Economics*. Published by Edward Elgar Publishing Limited Glen sanda House, UK., 2000.

15. Edgar L. Feige. "Defining and Estimating Underground and Informal Economies". The new Institutional Economics Approach. To be Published in *Wond Development*, Vol. 18, No.7, (1990).

16. Feige Edgar L. *The Underground Economics: Tax Evasion and Information Distortion*. Cambridge University Press., 1989.

17. Bhatta Charyya, D. "On the Economic Rationale of Estimating the Hidden Economy"., *Economic Journal*, Vol. 109, F348-F359, (1999).
18. Feige, E. "How Big is the Irregular Economy?"., *Challenge*, Vol 22, (1979).
19. Giles, D. "Measuring the Hidden Economy: Implications For Econometric Modeling"., *Economic Journal*, Vol. 109, f 370-f 389, (1999).
20. World Bank. "World Development Report 1991.The Challenge Development"., (1991).
21. Tanzi, V. "The Underground Economy in the United States: Estimates and Implications"., *Banca Nazionale de Lavoro Quarterly Review*, 1980.
22. Mattew H. Fleming, John Roman, And Graham Farrell., "The Shadow Economy"., (Spring 2000), p.389.

Archive of SID